

یدالله فرید

جامعه جغرافیایی ایران یکی از فرزندان رشید و شایسته خود را از دست داد

روز ۱۷ فروردین ماه ۷۷ دکتر حسن علیزاده ربیعی، دانشیار گروه جغرافیای طبیعی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، به رحمت ایزدی پیوست. وی تحصیلات دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی خود را تا سطح لیسانس در زادگاه خود، تبریز به انجام رساند، و سپس با سمت آموزگاری و دبیری در مدارس تبریز به تدریس اشتغال ورزید. آشنایی من با آن مرحوم از دوران تحصیلات دانشگاهی بود. او یکی از دانشجویان فهیم، ژرف اندیش و بلندنظری بود که تحصیلات دوره لیسانس و دبیری دبیرستانهای تبریز فضایی نبود که بتواند به خواسته‌های دورنگر او پاسخگو باشد؛ می‌بایست در فضای وسیعتری پرواز کند و بر دانش خود بیفزاید و در سطوح بالا به فرهنگ کشور خدمت کند. لذا با وجود مشکلات مالی فراوان، خود را به آمریکا رساند و دوره کارشناسی ارشد جغرافیا را در دانشگاه آرکانزاس آمریکا به

پایان‌بُرد و تا آنجا که من اطلاع دارم در این دوره از تلاش خود، برای تأمین نیازهای زندگی، کار و تحصیل را به هم آمیخت و پیوند داد.

پس از اتمام تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، در نامه مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۶ چنین نوشت^۱: «...زحمتی برایتان دارم، اگر قبول بفرمایید، مایه افتخار است. یکی موضوع رشته *Remote Sensing* است و استفاده از آن در کارهای جغرافیایی نظیر برنامه‌ریزی، هواشناسی (کلیما‌تولوژی) و کارتوگرافی و مساحی. لطفاً نظرتان را برایم بنویسید که در ایران تا کجا از این کار استفاده می‌شود. منظور از رشته *Remote Sensing* تعبیر و تفسیر عکسهای فضایی و هوایی است...» البته رشته انتخابی ایشان در آن زمان برای گروههای جغرافیا ناشناخته بود. با این حال گروه جغرافیای دانشکده با شناختی وسیع که از جریان تحصیل و عمق اطلاعات وی داشت، با رشته انتخابی و نوآور ایشان موافقت کرد و بورس تحصیلی در دوره دکتری به وی اعطاشد و ایشان دکترای رشته «سنجش از دور» را از دانشگاه اورگان آمریکا دریافت کردند.

بعد از خاتمه تحصیلات، در سالهای اول انقلاب به ایران بازگشتند و به دانشگاه زادگاه خود پیوستند و تا آنجا که من اطلاع دارم ایشان اولین استاد جغرافیاست که بحث «سنجش از دور» را در قلمرو جغرافیای ایران مطرح ساخته و آزمایشگاه این دانش نوآور را در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز بنیان نهاده‌اند. علاوه بر مقالات تحقیقی و علمی وزینی که از وی در مجلات مختلف دانشگاهی می‌بینیم، یک جلد کتاب با ارزش تحت

۱- این نوشته جز در همین مورد متکی به هیچ مدرک و نوشته‌ای نیست و تراوشی است از حافظه نگارنده.

عنوان «سنجش از دور (اصول و کاربرد)» از انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) از وی به یادگار مانده است. با این همه، بر این باورم که مقام و آثار علمی این استاد فقید را دانشکده علوم انسانی و اجتماعی و استادان علاقه‌مند همگروه وی چنانکه باید در یادنامه‌ای بررسی و مورد تجلیل قرار خواهند داد، چرا که ارجمندی و بزرگی دانشکده‌ها و گروه‌های علمی در این است که دانش و آگاهی را ارج‌نهند و خردورزان و دانشوران را گرمی بدارند.

اما من در این نوشته کوتاه، به عنوان معلمی که در آموزش و راهنمایی ایشان در دوره لیسانس نقش کوچکی داشته‌ام و از نزدیک با خصوصیات اخلاقی وی آشنا بودم «سیمای اخلاقی»^۱ آن فقید سعید را در چند سطر برای دانشجویانی که از کلاس درس و مکتب جغرافیایی ارائه شده از سوی وی سود برده‌اند، ترسیم می‌کنم تا چون الگویی فرا راه دانشجویانی باشد که برای فردا استادان دانشگاه‌های ایران خواهند بود:

دکتر حسن علیزاده در دوره کارشناسی تحصیلی، یکی از بهترین و شایسته‌ترین دانشجویان کلاس من بود. علاوه بر اینکه از لحاظ آگاهی و معلومات سر و گردنی فراتر از دیگران داشت، دانشجویی محبوب، باادب، کم‌سخن، ژرف‌انگر و درون‌گرا بود و سیمای آرام و خویشتندارانه‌ای داشت و هرگز از رنج‌های جسمانی و درونی خود سخنی با کسی نگفت. به هنگام استادی نیز با آنکه آگاهی و اندوخته وسیعی در رشته تحصیلی خود داشت، استاد بی‌ادعایی بود. قلبی پاک، زبان و قلمی پاک، دید و نگاهی پاک و

معصومانه داشت و یکی از حقشناس‌ترین دانشجویان من بود که تا آخرین دقایق حیات حریم حرمت معلم خود را پاس می‌داشت. مرگ نابهنگام او پر و بال مرا شکست، مگر نه این است که هر معلم علاقه‌مند دانشگاه اوج پرواز و بالندگی خود را در قامت رسای شایسته‌ترین شاگردان خود می‌بیند و بر او فرض است که بستر کار و فعالیت دانشجویان برجسته و لایق خود را که استادان آینده دانشگاهها خواهند بود، هموار کند؟

دکتر علیزاده یکی از همکاران صدیق گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه تبریز بود بویژه در ویراستاری، اصلاح و ارزیابی بخشی از تراجم دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکتری که از منابع انگلیسی مایه می‌گرفتند، یار و یاور من بود و با دقت و ظرافت کم‌نظیری این وظیفه را انجام می‌داد و نظرات او در متن و محتوای نوشته‌ها برای من حجت و قابل استفاده بود.

دکتر علیزاده علاوه بر آنکه پاک مردی پویا و استادی توانمند بود، یکی از مدیران برجسته دانشگاه در پستهای مختلف دانشگاهی به‌شمار می‌رفت. وی همزمان با شرکت در اکثر جلسات و نشست‌های دانشگاهی، مدتی ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی را برعهده گرفت و آن گنجینه علمی و تحقیقاتی را به گونه بایسته سامان بخشید، زمانی معاونت دانشکده علوم انسانی و اجتماعی را با بی‌نظری و متانت لازم اداره کرد. چند سالی در سمت ریاست انتشارات دانشگاه تبریز انجام وظیفه نمود و این موسسه فروپاشیده را از نو ساخت و سازماندهی کرد و بر نشر انتشارات دانشگاه تبریز سرعت بخشید و در این راستا گامی متین در اشاعه دانش و فرهنگ جامعه برداشت و در آن سازمان مقررات و قانونمندی را جایگزین فردگرایی کرد. دکتر علیزاده در مدیریت خود به خواسته‌های خارج از اصول و

منطق اداری کسی تسلیم نشد و در برابر مسایل یکرنگ و استوار بود و برخوردی شجاعانه داشت، چرا که شیفته و پایبند مقامهای اداری نبود. با این همه مخالفت و مقاومت او در برابر خواسته‌های ناممکن کسی را نمی‌آزرد، چرا که در چهارچوب قانون و مقررات عمل می‌کرد و به جد از خودخواهی‌ها بدور بود. مرگ توانفرسای چنین عزیزی ضایعه‌ای است برای جامعه جغرافیای ایران؛ فقدان جبران ناپذیری است برای دانشگاه تبریز و دانشکده علوم انسانی و اجتماعی بویژه گروه جغرافیایی طبیعی. اگر دانشگاه تبریز در نجات وی از مرگ، دستی بسته داشت، بامید آنکه ارزش این استاد گرانقدر را نیک بشناسد و نشان دهد که دانشگاه همراه و همگام با فرزندان و دانشوران است.

روانش شادباد!



ژرف‌نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني